

**جماران** / آیت الله سیدمصطفی محقق داماد در سخنانی گفت: جهلی که در آن انسان به جهلش توجه دارد یا همان «جهل بیسط» یک نعمت است. این جهل خوبی است اما امان از جهلی که انسان نداند جاهل است. زمانی فکری می کردم مغول‌ها خیانت زیادی کردند، خون زیادی ریختند و فاجعه آفریدند. اما اینها در برهه‌های احساس کردند که نمی‌دانند. از این رو خواجه طوسی را به استخدام درآوردند و ختماتی که در دوره مغول شد، بعد از آن بود که اینها فهمیدند



چیزی نمی‌دانند.

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: امان از زمانی که مدیریت جامعه به دست کسانی باشد که جاهلند و ندانندند که جاهلند. خدایا آن روز را برای هیچ ملتی نیار. چرا که روزگاری تلخ تر از این برای ملت وجود ندارد که عده‌ای جاهل توجه نداشته باشند که جاهلند. از این بدتر و فاجعه آفرین تر زمانی است که کسانی جاهل باشند و ندانند جاهلند و این جهل خود را به خدا ببینند و برای خدا جاهلی کنند و به نام

آفتاب یزد گزارش می‌دهد

# ماجرای کمک ناخواسته بولتون به ایران

**سید جلال ساداتیان: منافع کشورها یا جناح‌ها در امری مشترک است و در امری دیگر ضد یکدیگر است. بحث طالبان در مورد ایران و آمریکا می‌تواند از جهاتی آن امر مشترک باشد و البته می‌تواند از جهاتی هم نباشد. ایران دولت طالبان را ساقط کرد و سپس تلاش داشت تا با طالبان پراکنده در جنوب افغانستان و شمال پاکستان مبارزه کند. اما آنچه روی داد، توزیع تروریسم و پخش این گروه با نام‌های مختلف در دنیا بود**

**مطهرنیا: با تلاش‌های بولتون برای جلوگیری از مذاکره اکنون ایران از پیامدهای ناشی از عدم تفاهم میان واشنگتن و طالبان، می‌تواند بهره‌برداری خاص خود را داشته باشدبه این معنا که از یکسو به دلیل رویکردهای ایدئولوژیک، تهران می‌تواند طالبان را در یک وضعیت خنثی قرارداد و در طرفی دیگر باتوجه به اصطکاک میان واشنگتن و طالبان در چارچوب حرکت‌های منطقه ای، این موضوع را به عنوان شکست آمریکا در منطقه محسوب کند و ازاین شکست به سود خود بهره جوید**

**آفتاب یزد- گروه سیاسی:** بعد از برکناری جان بولتون، بسیاری ازاین واقعه به عنوان یک اتفاق بسیار مثبت در کاخ سفید یادکردند، عده زیادی از شخصیت‌های داخلی کشور نیز با خرسندی، دلیل خروج بولتون را سیاست‌های تندروانه او علیه کشورمان قلمداد کرده و اخراج وی را تحقیر آمیز دانسته و آن را به سخره گرفتند. درمورد دلایل اخراج بولتون و جان بولتون را در مذاکرات میانه از مخالفت او با کاهش تحریم‌ها علیه ایران در وی درباره کره شمالی را دلیل اصلی این موضوع می‌گویند چرا که ترامپ به دنبال مذاکره بود و او مخالف بسا این رویه و عده‌ای دخالت‌ها و درگیری‌هایش با پامپئو وزیر خارجه این کشور و سایر دولتمردان را از عوامل اخراجش برمی شمردند. اما برخی یکی از عمده اختلافات میان دونالد ترامپ و جان بولتون را در مذاکرات میان آمریکا و طالبان می‌دانند. ترامپ برای رهایی از حضور نیروهایش در افغانستان از در مذاکره با گروه طالبان برآمد. سرپرست این مذاکرات را هم زلمی خلیل‌زاد فرستاده ویژه آمریکا در افغانستان قرارداد، اما جان بولتون به شدت مخالف این مذاکرات بوده و آن را مصداق بارز امتیازدهی بی‌دلیل به یک گروه افراطی و شکستی برای آمریکا می‌دانست، اما طرف به توافقی نرسیدند.

اما برخلاف تصورات، اقدام بولتون برای مانع تراشی برسر توافق آمریکا و طالبان را اقدامی که در نهایت به سود و کمک ایران آمد تلقی می‌کنند. آن‌ها می‌گویند آمریکا برای رسیدن به توافق باید طالبان باعث شد تا بولتون پیش از اخراجش به مراددل خود در ماجرای مذاکرات آمریکا با طالبان برسد، به این معنا که این مذاکرات شکست خورده و دو طرف به توافقی نرسیدند.

## آنچه اتفاق آرامکو نشان می‌دهد

ادامه از صفحه اول:

...عربستانی‌ها نیز در اظهارنظرهای خودشان هیچ‌گاه به طور مستقیم ایران را عامل این اتفاقات ندانستند. به نظر میرسد که عربستان هم مانند امارات و ماجرای به آتش کشیده شدن نفتکش‌ها در بندر فجیره قصد ندارد در فضای موجود، اقدام نظامی و یا تشیی بیشتر از این که در منطقه هست، شکل بگیرد. همین قدر که مشخص شد، زدن پالاینگاه، صادرات نفت عربستان را به نصف کاهش می‌دهد به اندازه کافی برای عربستان هشداردهنده است که هرگونه تنش بیشتر در منطقه تا چه حد می‌تواند زیرساخت‌های اقتصادی این کشور را ویران کند. اگر عربستان و آمریکا قصد داشتند تا زمینه اقدامات نظامی را علیه ایران فراهم کنند طی سه روز گذشته که این حمله رخ داده است فضای تنش را بیشتر می‌کردند، اما نوع واکنش‌ها به آرامکو نشان می‌دهد آنها نمی‌خواهند فراتر از هشدار و واکنش‌های تند سیاسی پیش بروند. واکنش دولت‌های اروپایی نیز در این میان قابل توجه و تأمل است، چرا که این دولت‌ها نیز موضعی که نشان از افزایش تنش یا حمایت از دولت عربستان داشته باشد از خود به نمایش نگذاشتند. این‌ها همه سیگنالهایی است که نشان می‌دهد اروپایی‌ها نیز به دنبال همسویی با اظهارات خصمانه و ستیزه‌جویانه علیه ایران نیستند.

تقل قول

**مسئله ورود زنان به ورزشگاه نباید پنهان برای اجماع علیه کشور شود**



تهران به ریاست محمدرضا عارف برای بررسی وضعیت ورزش شهر تهران برگزار شد. در این جلسه محمدرضا عارف رئیس مجمع امید طی سخنانی با اشاره به نقش موثر بانوان در تحولات مهم کشور، خاطرنشان کرد: حضور پر رنگ بانوان در مجامع مختلف و مراسم‌های ملی و مذهبی در کنار مران با کمترین حاشیه همراه بوده و حضور این قشر از جامعه در اماکن ورزشی هم با توجه به آمادگی ورزشگاه‌های کشور از جمله تهران از نظر زیرساخت‌های لازم، نباید با محدودیت‌هایی رو به رو باشد.

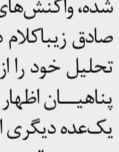
به گزارش ایلنا، وی با بیان اینکه «مساله حضور بانوان در ورزشگاه‌ها باید با تدبیر و محوریت دولت حل شود»، تأکید کرد: مسائلی از جمله ورود بانوان به ورزشگاه‌ها نباید سیاسی شود و نباید لاینحل باقی بماند که زمینه‌ساز پنهان‌هایی برای اجماع علیه کشورمان شود.

**گام سوم یک گام چند لایه است**

حسام الدین آشنا مشاور رئیس‌جمهور درباره گام سوم کاهش تعهدات پرچامی کشورمان و همچنین گت‌وگوهای انجام شده با فرانسه درباره مسئله برجام گفت: گام سوم یک گام چند لایه است و وقتی گفته می‌شود محدودیتی در تحقیق و توسعه وجود نخواهد داشت یعنی مرزهای دانش و فناوری در این حوزه دیگر جلوی ما را نخواهد گرفت و ما به سمت دانش مرزی خواهیم رفت. در نتیجه غرب باید انتظار داشته باشد که تحولات دانش هسته‌ای ایران در آینده‌ی نزدیک او را شگفت‌زده کند. آسنیم

**پناهیان می‌خواهد خود را به عنوان جریان سوم جا بزند**

سنانا اخیر علی‌رضاپناهیان که در آن حسین روحانی رئیس‌جمهور متهم به تلاش برای دوقطبی‌سازی جامعه‌از طریق برجسته‌کردن موضوع ورود زنان به ورزشگاه‌ها



شده، واکنش‌های فراوانی را در پی داشته است. صادق زیباکلام دراینباره در گفت‌وگو با ایرنا تحلیل خود را از حرف‌های اخیر آقای علی‌رضا پناهیان اظهار کرد و گفت: آقای پناهیان و یک‌عده دیگری از این دسته متوجه نشده‌اند که من حیث المجموع خنجر اسولگران نزد مردم بی‌اعتبار شده‌اند و اصلاح‌طلبان هم از آن‌ها بی‌اعتبارتر. آقای پناهیان و تعدادی از این دسته می‌خواهند خود را به عنوان یک جریان جدید مطرح کنند و جا بزنند و بگویند که «آی! مردم ما یک جریان جدید هستیم ما با این اسولگران که شما از آن‌ها متنفرد کاری نداریم.»وی افزود: آقای پناهیان و این عده دنبال این هستند که شاید از این نارضایتی و دلخوری که در جامعه نسبت به دو جریان اصلی سیاسی به‌وجود آمده است استفاده کنند و روی موج این دلخوری‌ها و نارضایتی‌ها سوار شوند و خودشان به گونه‌ای مطرح سازند که ما یک جریان سوم هستیم.

## آنچه اتفاق آرامکو نشان می‌دهد

ادامه از صفحه اول:

...عربستانی‌ها نیز در اظهارنظرهای خودشان هیچ‌گاه به طور مستقیم ایران را عامل این اتفاقات ندانستند. به نظر میرسد که عربستان هم مانند امارات و ماجرای به آتش کشیده شدن نفتکش‌ها در بندر فجیره قصد ندارد در فضای موجود، اقدام نظامی و یا تشیی بیشتر از این که در منطقه هست، شکل بگیرد. همین قدر که مشخص شد، زدن پالاینگاه، صادرات نفت عربستان را به نصف کاهش می‌دهد به اندازه کافی برای عربستان هشداردهنده است که هرگونه تنش بیشتر در منطقه تا چه حد می‌تواند زیرساخت‌های اقتصادی این کشور را ویران کند. اگر عربستان و آمریکا قصد داشتند تا زمینه اقدامات نظامی را علیه ایران فراهم کنند طی سه روز گذشته که این حمله رخ داده است فضای تنش را بیشتر می‌کردند، اما نوع واکنش‌ها به آرامکو نشان می‌دهد آنها نمی‌خواهند فراتر از هشدار و واکنش‌های تند سیاسی پیش بروند. واکنش دولت‌های اروپایی نیز در این میان قابل توجه و تأمل است، چرا که این دولت‌ها نیز موضعی که نشان از افزایش تنش یا حمایت از دولت عربستان داشته باشد از خود به نمایش نگذاشتند. این‌ها همه سیگنالهایی است که نشان می‌دهد اروپایی‌ها نیز به دنبال همسویی با اظهارات خصمانه و ستیزه‌جویانه علیه ایران نیستند.

**دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۱۴۱۴۲۸ در میان بگذارید.**

**امان از زمانی که مدیریت جامعه به دست کسانی باشد که جاهلند**

خدا خون ریخته و سرببرند.

وی گفت: گوش دهید! هم اکنون صدای بچه‌هایی را می‌شنوید که در منطقه خاورمیانه سر پدرانشان را جلو چشمانشان می‌برند و مادرانشان را به نام خدا برده می‌کنند؛ جاهلانی که گرفتار جهل اعتقادی هستند. تمام ایدئولوژی‌های خطرناک شرقی همین بود، مگر نه این بود؟ ایدئولوژی‌های شرقی فاجعه آفرین جهلی بود که با اینکه به نام خدا یا مقدس نبودند ولی خطرناک بودند. همین ایدئولوژی اگر بُعد قسسی پیدا کند چه می‌شود؟



دیدیم که حالا خود آمریکایی‌ها نیز حاضر شدند تا با طالبان بنشینند و با مذاکرات کارا را پیش ببرند، هرچند در نهایت با فشار بولتون و البته اقدامات اخیر آن‌ها این توافق به نتیجه نرسید. امثال بولتون معتقد بودند اینکه آمریکا بخواهد با تروویست‌ها مذاکره کند و بعد هم دشمن خود را تروویسم بداند، معنا ندارد. بولتون فقط به دنبال برخورد تند با طالبان بود و می‌خواست به‌عنوان تروویست آن‌ها را حذف کرده و ریشه شان نابود شود تا دولت افغانستان نیز بتواند سر کار بیاستد. ایران هم البته در طول ماه‌ها و سال‌های گذشته با جناح‌ها و گروه‌های مختلف افغانستان مذاکره داشته است و طالبان نیز به دنبال اهداف خود بوده است، اما به هر حال ایران در مذاکره با طالبان به دنبال اهداف متفاوتی از اهداف ترامپ در مذاکره با طالبان بوده است.

**■ ایران از کار بولتون خوشحال است چو...**

سداداتیان می‌گوید: به هر حال ایران از نظر دیدگاهی با آنچه که طالبان به دنبال آن است تفاوت دیدگاه دارد. ایران این تروویسم و انفجارات

طالبان را قبول ندارد، ایران از طرفی می‌خواهد تا از جانب افغانستان احساس امنیت کند، کشورمان

در مذاکره با طالبان نیز به دنبال همین خواسته‌ها می‌گردد، بنابراین مذاکره ایران با آن‌ها به معنای پذیرفتن منافع خواسته‌های طالبان نبوده و نیست. این نماینده سابق مجلس درباره اینکه بسیاری می‌گفتند که طالبان چون قرار است در مقابل داعش قرار بگیرد، قدرت یافتن آن یکی از راه‌های مبارزه با داعش است و ازاین‌رو ایران نیز وارد چنین مذاکراتی شده است، گفت: این درست که بخشی از دیدگاه‌های طالبان با داعش در تعارض است اما عملکردهای آن‌ها بعضا همان خشونت‌های داعشی را دارد، از همین رو رفتارهای خودخواه و بعضا شایع به هم است هرچند میزان خشونت و قساوت طالبان مطمئنا مثل داعش نیست. اما ایران برای تمامیت ارضی خودش است که هم می‌خواهد طالبان را نسبت به خود آرام نگه دارد و هم اینکه این گروه با آمریکا درگیر نباشد، یعنی ایران از وجود طالبان و درگیری آن‌ها با آمریکا نیز می‌تواند خوشحال باشد، چرا که هر چه بیشتر آمریکا درگیریهایی مثل درگیری با طالبان داشته باشد به سود ایران است و از سویی طالبان نیز نمی‌تواند قدرت بگیرد. درحالیکه مذاکره آمریکا با طالبان می‌توانست هم طالبان را قدرتمند کند و هم آمریکا را از درگیری‌های اینچنینی رها کرده و نتیجه‌اش فشار بیشتر این کشور به ایران بود. اکنون شگفت‌انگیز آنکه آمریکا طالبان را امتیازاتی می‌تواند طالبان را مهار کند و هم اینکه فشارهای آمریکا‌به ایران را بکاهد. از همین روست که ایران امروز می‌تواند از شکست این مذاکرات که بولتون باعث شد خوشحال باشد.اگر طالبان با آن شکل و شمایل با آمریکا به توافق می‌رسید ممکن بود به جای اینکه در مقابل داعش قرار بگیرد، خود، خطر جدی برای ایران به شمار بیاید.

وی ادامه می‌دهد: اما مذاکره با طالبان به آن معنا بود که آن‌ها را به رسمیت بشناسند و طالبان در دولت فعلی ایفای نقش کرده و امکانات و امتیازاتی به آن‌ها داده شود. امتیازاتی که باب میل بولتون نبود و بولتون آن را خطری برای امنیت آمریکا تصور می‌کرد.

وی ادامه می‌دهد: البته این نکته را هم از یاد نبریم که پیشتریکی از اتهاماتی که به ایران وارد می‌شد این بوده که کشورمان برخی از طالبانی‌ها را در کشور پناه داده و با آن‌ها سر و سسری دارد. اما

حمله آمریکا در آن زمان باز شدن راه بیشتر برای نفوذ ایران در منطقه بود، ایران با حمله آمریکا به عراق و افغانستان، بهره برداری‌های خاص خود را به عمل آورد.اما مذاکرات اخیر صلح آمریکا با طالبان و قدرت گرفتن این گروه با توجه به مجموع امتیازاتی که گفته می‌شد به طالبان داده شده است، علیه ما تمام می‌شد.

این کارشناس مسائل بین‌الملل اضافه می‌کند: فعالیت بولتون علیه طالبان را نمی‌توان کمک به ایران نام برد، اما با تلاش‌های بولتون برای جلوگیری از مذاکره اکنون ایران از پیامدهای ناشی از عدم تفاهم میان واشنگتن و طالبان، می‌تواند بهره‌برداری خاص خود را داشته باشدبه این معنا که از یکسو به دلیل رویکردهای ایدئولوژیک، تهران می‌تواند طالبان را در یک وضعیت خنثی قرارداد و از طرفی دیگر باتوجه به اصطکاک میان واشنگتن و طالبان در چارچوب حرکت‌های منطقه‌ای، این موضوع را به عنوان شکست آمریکا در منطقه محسوب کند و ازاین شکست به سودخود بهره جوید.

**■ منافع مشترک یا ضد مشترک**

سید جلال ساداتیان دیگر کارشناس مسائل بین‌الملل نیز با بیان اینکه در سیاست خارجی گاه اتفاقات عجیبی رخ می‌دهد، به آفتاب یزد می‌گوید: منافع مشترک‌ها یا جناح‌ها را هم در مشترک است و در امری دیگر ضد یکدیگر است. بحث طالبان در مورد ایران و آمریکا می‌تواند از جهاتی آن امر مشترک باشد و البته می‌تواند از جهاتی هم نباشد. آمریکا دولت طالبان را ساقط کرد و سپس تلاش داشت تا با طالبان پراکنده در جنوب افغانستان و شمال پاکستان مبارزه کند، اما آنچه روی داد، توزیع تروریسم و پخش این گروه با نام‌های مختلف در دنیا بود، از طرفی دسترسی به کشورهای داخل پاکستان و افغانستان سخت بود و عملا نابودی طالبان را غیر ممکن کرد. پیشتر هم آمریکا می‌خواست تا هم از افغانستان و هم عراق خارج شود اما مشکلاتی مانع این کارشد. سویی وقتی دولت کزرای کنار رفت، دولت اشرف غنی تلاش داشتند امنیت افغانستان را از طریق مبارزه با طالبان تامین کند، اما این اتفاق نیفتاد و آمریکایی‌ها هم عملا با روش‌هایی که در پیش گرفتند نتوانستند کاری از پیش ببرند تا سرانجام تهران از جهتی و رویکردهای نئومحافظه کارانه دارد با طالبان نیز از خود نشان داد.

مطهرنیا درباره اینکه اگر مذاکرات آمریکا و طالبان به همان شکل و امتیازاتی که خلیل‌زاد به این گروه می‌داد تلاوم داشت، توافق ایالات متحده و طالبان چه خطراتی برای ایران داشت؟ می‌گوید: طالبان یک گروه مذهبی ولی متفاوت با ایران است. در مرزهای شرقی ما طالبان و در مرزهای غربی ما قبل از سقوط صدام، رژیم بعث به عنوان خطرهای امنیتی مطرح بودند. با حمله آمریکا به افغانستان و عراق و برداشتن صدام و طالبان از مسیر بود که ایران احساس امنیت بیشتری کرد و رهاورد این

## وزارت خارجه: دیداری بین روحانی و ترامپ نخواهد بود

و پیام خاصی ندارد. ایشان با مسافر وارد و حضور ایشان برای ما و دولت عراق غنیمت است. موسوی در مورد آخرین وضعیت کشتی انگلیسی توقیف شده در ایران نیز گفت: مراحل حقوقی و قضایی رسیدگی به تخلفات این کشتی رو به اتمام است و دو سه کار کوچک در این زمینه مانده است که به نظر می‌رسد که طی روزهای آینده انجام شود و این کشتی رفع توقیف شود. موسوی همچنین در پاسخ به سوالی در ارتباط با اجرای ایام گرامش تعهدات پرچامی از سوی ایران، گفت: ایران در اجرای گام سوم مصمم است و آن را اجرا می‌کند گام چهارم در حال طراحی است و اگر اروپایی‌ها به تعهدات و حرف‌های خود

و ما مواضع ایران را اعلام کردیم، اظهار کرد: آقای رئیس‌جمهور نیز در سخنان خود چندی پیش اعلام کردند که ما دیداری برای دیدار، عکس گرفتن، تبلیغات و پروپاگاندا رسانه‌ای انجام نمی‌دهیم.

سخنگوی وزارت خارجه کشورمان در ارتباط با سفر اخیر مقتدی صدر به ایران و انعکاسی که این موضوع داشته است، نیز گفت: مقتدی صدر به ایران سفر نمی‌کند ایشان به ایران رفت و آمد دارد و این رفت و آمد تا زگی ندارد. ایشان و تعدادی دیگر از مقامات عراقی به عنوان دوستان، پیش از این در ایران بوده و یا رفت و آمد داشته‌اند بنابراین حضور ایشان در ایران چیز ویژه و خاصی نیست

محبت قرار داد. این گونه زیادهروی‌ها، نشانگر کمبودهای عاطفی و احساسی در جامعه بوده که آسیب‌های ناشی از آنها دیر یا زود گریبان جامعه را خواهد گرفت.

دومین حادثه در کنار موضوع یاد شده، کلابرداری یک رمال از تعداد قابل توجهی از هم وطنان می‌باشد. واقعا چند بار رسانه‌ها از قول مسئولان و در قالب اخبار، موضوع شکیبای و فریبکاری این گونه افسردار را اعلام کردند؟ اما باز ملاحظه می‌شود که عده‌ای

متأسفانه و شوربوختانه که درصداقبال توجهی از آنها دارای تحصیلات هستند و در ردیف افراد روشنفکر و امروزی قرار دارند، از فریب خوردگان را تشکیل می‌دهند. پرداخت پولهای کلان به صورت ارزهای خارجی و ارسال آن به نایبند برای رمال بزگی که در آنجا حضور دارد و کارش جنبه بین‌المللی پیدا کرده اسفبار است. واقعا در شرایط اقتصادی امروز که بعضی از هم نوعان و هم‌وطنان برای تهیه پول دارو و درمان خود حیران مانده، آیا پرداخت این گونه

پولها به اشخاص فریبکار و شیاد، توجیه عقلی و منطقی می‌تواند داشته باشد؟ آنچه که امروز عدالت بخشی از افکار جامعه را به دست گرفته و تبلیغات، مخصوصا در فضای مجازی است که عده‌ای به راحتی فضای فکری را آشفته کرده و تنش‌های روحی و عصبی به جامعه تزریق می‌کنند. تنها راه مقابله رفتاری با اینگونه حرکات، برخورد منطقی و تفکر در مورد آنها بوده و اطلاع‌رسانی به موقع توسط رسانه‌ها موثرترین روش در پیشگیری می‌باشد.